

نشوز زوجه از منظر مذاهب امامیه و اهل سنت

محمد داود حیدری^۱

چکیده

چکیده و فشرده تحقیق حاضر در مورد نشوز زوجه در میان مذاهب اسلامی را می توان چنین بیان کرد که در میان مذاهب اسلامی عامل نشوز زوجه متفاوت بوده و یک سان نیست؛ عدم تمکین زوجه در فقه امامیه، شافعی و حنبلی عامل نشوز زوجه دانسته شده است؛ اگر زوجه از شوهر خود اطاعت نکرده و خود را به طور کامل در اختیار همسرش برای بهره بردن از مسائل جنسی قرار ندهد، زوجه ناشزه محسوب شده و در پی آن نفقه به آن تعلق نخواهد گرفت. اما در فقه حنفی خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر باعث نشوز زوجه شده، حتی اگر همسر در مسائل زناشویی اطاعت از شوهر کرده باشد. چنین زنی حق نفقه نخواهد داشت.

در صورت نشوز زوجه، زوج می تواند با سه روش از نشوز همسرش جلوگیری نماید. در قدم اول همسر را نصیحت نموده، در گام دوم اگر نصیحت فائده نداشت در رختخواب بی محلی نماید، اگر روش دوم فائده نداشت در قدم سوم همسرش را، به صورت محدود و به هدف برگشت به اطاعت شوهر، تنبیه کند.

در ادامه به برخی از اشتراکات و تفاوت های نشوز و نفقه زوجه مانند اختلاف در سبب وجوب نفقه، سقوط یا عدم سقوط نفقه زوجه مریض، مسافرت زوجه، نفقه زوجه در زمان عقد و اختلاف در معنی نشوز در مذاهب اسلامی اشاره شده است.

واژگان کلیدی: نشوز، ناشزه، تمکین، نفقه زوجه.

^۱. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی و دانش آموخته سطح چهار ndhndh1354@gmail.com.

مقدمه

یکی از مسائل مهم، کاربردی و مورد نزاع در مسائل خانوادگی بحث نشوز زوجه است؛ مباحث مانند نفقه و تمکین زوجه ارتباط تنگاتنگ با این موضوع دارد. بدون شک مسأله اطاعت یا عدم اطاعت زوجه از شوهر یکی از موضوعات بسیار مهم و کلیدی در زندگی خانوادگی بوده، و می‌تواند شیرینی و حلاوت و یا تلخی و ناسازگاری در زندگی را به دنبال داشته باشد. بسیاری از اختلافات و دعاوی در میان خانواده‌ها ناشی از عدم تمکین زن و ندادن نفقه او از سوی زوج است. حجم زیادی از پرونده‌های مرتبط با این موضوع، در دادگاه‌ها، گواه و مؤید این مطلب است. یکی از راه‌های کاستن از این مشکلات، آگاهی زوجین بوده، که به کاهش نزاع و اختلافات می‌انجامد. تحقیق حاضر در راستایی افزایش آگاهی زوجین و کاهش اختلافات در میان آنها اهتمام ورزیده است.

تحقیق حاضر تحت عنوان «نشوز زوجه از منظر مذاهب امامیه و اهل سنت» به نشوز، عوامل، و اشتراکات و تفاوت‌های آن در میان مذهب امامیه و مذاهب مهم اهل سنت پرداخته است. به حول و قوه الهی مقاله حاضر در ضمن دو گفتار مطالب مورد نظر را ارائه و تقدیم خواهد نمود.

گفتار اول: عوامل و اسباب نشوز زوجه

یکی از موضوعات مهم در بحث زوجیت، عوامل نشوز زوجه است؛ نشوز زوجه در فقه امامیه و اهل سنت مطرح شده، اما نشوز زوج در فقه اهل سنت مورد توجه قرار نگرفته و تنها در فقه امامیه به آن پرداخته شده است؛ به همین دلیل نشوز زوج به صورت جداگانه در شماره بعدی نشریه ارائه و تقدیم خواهد شد.

قبل از بررسی و پرداختن به این موضوع، به جا و مناسب است که تعریف اجمالی از مفهوم نشوز ارائه نمایم.

مفهوم نشوز

کلمه «نشوز» جمع «نشز» در لغت به معنای « مکان مرتفع، ارتفاع و بلند شدن و برخاستن» آمده است. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، ۱۴۱۰: ۴۱۷؛ راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، ۱۴۱۶: ۸۰۶) اما نشوز بین زن و شوهر، به معنی کراهت داشتن هر یک از دیگری است. از این رو در تعریف آن چنین آمده است: «النشوز بین الزوجین: کراهة کُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا صَاحِبَهُ و سوء عشرته له؛ نشوز، آن است که هر یک از زن و شوهر دیگری را ناخوش داشته و با او معاشرت ناپسند کند». (لسان العرب، همان، ص ۴۱۸؛ سعدی، القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا، ۱۴۰۸: ۳۵۳).

معنای اصطلاحی نشوز: در کتابهای فقهی عامه اغلب از نشوز زن سخن به میان آمده، اما فقیهان امامی نشوز را به مرد نیز نسبت داده و معتقدند که نشوز خروج از طاعت است که گاه از مرد سر می زند و گاه از زن (محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۲، ۱۴۱۵: ۲۹۷). صاحب جواهر در این مورد می نویسد: «النشوز هو الخروج من الزوج و الزوجة عن الطاعة الواجبة علی کل واحد منهما للآخر» (نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ۱۳۹۵: ۲۰۰) نشوز خارج شدن هر یک از زوج و زوجه از طاعت واجبی است، که هر یک از آن دو نسبت به دیگری به عهده دارند. به عبارت دیگر زن و شوهر در قبال یک دیگر وظایفی دارند، تخلف از هر یک از این وظایف چه از سوی زن و چه از سوی مرد همان نشوز است. ناشزه زوجه ای را گویند که حقوق ناشی از نکاح را که برای زوج حاصل شده ایفا نکند. در مقابل ناشزه لغت مطیعه (فرمانبر) بکار می رود. ناشز شوهری است که حقوق ناشی از نکاح را که برای زوجه حاصل شده ایفا نکند، این حقوق عبارت است از دادن نفقه و کسوه و حسن سلوک. (جعفری لنگرودی، ترمینولوژی حقوق، ۱۳۷۲: ۷۰۶) و هم چنین در عبارات سایر فقها تعبیرات مشابه مشاهده می شود. محقق حلی در ارتباط با معنی نشوز فرموده « و هو الخروج عن الطاعة» (شرائع الاسلام، پیشین، ص ۲۸۲) نشوز خروج از اطاعت است. مرحوم موسوی اصفهانی این گونه آورده است: و هو فی الزوجة خروجها عن طاعة الزوج الواجبة علیها، من عدم تمکین نفسها ... و کذا خروجها من بیتة من دون اذنه (موسوی اصفهانی، وسیلة النجاة، ج ۲، ۱۳۹۷: ۴۰۹) در این عبارت مرحوم اصفهانی در معنی نشوز زن به عدم تمکین زوجه و هم چنین خروج زن از منزل بدون اذن شوهر اشاره کرده است.

حال که اشاره ای گذرا به معنای نشوز گردید، در ادامه به مباحث اصلی و عوامل نشوز پرداخته می شود.

تمامی مذاهب اسلامی وفقهای شیعه و سنی اتفاق نظر دارند که هر گاه نشوز تحقق پیدا کند، وجوب نفقه از زوج ساقط می گردد. در این صورت زن حق مطالبه نفقه را نخواهد داشت؛ در مورد تحقق نشوز زن این گونه تعبیر شده «اتفقوا علی أن الزوجه النأشزه لا نفقه لها». (ابن مسعود کاسانی، بدایع الصنایع، ج ۵، ۱۴۱۷ق: ۱۴۰؛ ابن رشد قرطبی، بدایه المجتهد و نهایه المقصد، ج ۴، ۱۴۳۱: ۱۵۳؛ جواهر الکلام، ج ۳۱، ۱۳۹۵: ۳۰۳؛ محمد جواد مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۲، ۱۴۲۵: ۱۳۱). بنا بر این در این مورد جای بحث و سخن نیست که نشوز باعث سقوط نفقه می گردد؛ اما بحث و سخن در این است که این وصف نشوز کی تحقق پیدا می کند، زوجه چه کارهای را انجام بدهد، به او ناشزه گفته می شود. به این ترتیب در فقه به عوامل نشوز زوجه اشاره شده است.

الف) عدم تمکین

یکی از مهم ترین عوامل نشوز بر اساس نظر اکثر مذاهب اسلامی عدم تمکین زوجه است. واژه تمکین در بحث وظایف زوجین در قرآن و روایات اهل بیت (ع) دیده نشده و ظاهراً از عناوین انتزاعی است. گرچه فقها از این واژه تعریف دقیقی ارائه نکرده اند، اما از آنجایی که لفظ نشوز و تمکین در مقابل هم و ضد یکدیگرند از باب تعریف اشیاء به اضداد، می توان تمکین را تعریف کرد. نشوز به معنای سرپیچی از انجام وظایف زناشویی در مواردی که بر زن واجب است، می باشد؛ پس تمکین یعنی انجام وظایف زناشویی. فاضل هندی می گوید: «معنای تمکین عبارت است از این که زن امکان بهره مندی جنسی از خود را در هر زمان و هر مکان و هر موضعی که مرد بخواهد به او بدهد» (فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۷، ۱۴۱۶: ۲۰۲)

صاحب شرائع تمکین را به خلوت کردن و امکان بی قید و شرط استمتاع شوهر از زن معنا کرده و فرموده است: « وَ هُوَ التَّخْلِيَةُ بَيْنَهَا وَ بَيْنَهُ، بَحِيثٌ لَا يَخْصُصُ مَوْضِعاً وَ لَا وَقْتاً فَلَوْ بَدَّلَتْ نَفْسَهَا فِي زَمَانٍ دُونَ زَمَانٍ، أَوْ مَكَانٍ دُونَ مَكَانٍ آخَرَ، مِمَّا يَسُوغُ فِيهِ الِاسْتِمْتَاعُ، لَمْ يَحْصُلِ التَّمْكِينُ (محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۲، ۱۴۱۵ق: ۳۹۷)؛ تمکین خلوت کردن میان زن و شوهر است، به گونه ای که زن خود را به طور کامل در اختیار مرد قرار داده و هر گونه و در هر زمان و مکانی که خواست بتواند از همسرش بهره ببرد.

شهیدین تمکین کامل را چنین معنی کرده اند: «و هو أن تخلی بینه و بین نفسها قولاً و فعلاً فی کل زمان و مکان یسوغ فی الاستمتاع» (شهید اول، اللمعة الدمشقیة، ج ۵، ص ۴۶۵) تمکین کامل این است که میان زن و شوهر خلوتی ایجاد شود که استمتاع و بهره بردن از همسر در هر وقت و هر جایی ممکن باشد. در این صورت نفقه زوجه واجب می شود. اما اگر خلوت میان زن و شوهر به گونه ای باشد که در بعضی از زمان ها و در بعضی از مکان ها زمینه استمتاع وجود داشته باشد، در این صورت نفقه زوجه واجب نمی شود. شیخ طوسی در کتاب مبسوط برای عدم تمکین مثال واضح و ساده زده است که اگر زن به شوهر خود بگوید من خودم را در منزل پدرم یا مادرم در اختیار شما می گذارم، یا من در فلان محله و فلان شهر خودم را در اختیار شما می گذارم در این صورت تمکین کامل صورت نگرفته و نفقه به زوجه تعلق نمی گیرد (شیخ طوسی، المبسوط، ج ۴، ۱۴۳۱ق: ۳۷۷).

در مورد تعریف فقهی اصطلاح تمکین باید به دو نکته توجه کرد: اول اینکه تعریف فوق به تمکین کامل ناظر است و از آن فهمیده می شود که تمکین ممکن است ناقص صورت گیرد، مثل اینکه زنی شوهرش را از بعضی مصداق های استمتاع منع کند. نکته دوم این است که تمکین در تعریف فقهی منحصرأ به امور جنسی ناظر است و شامل سایر امور مربوط به زناشویی نمی شود؛ از این رو اگر زنی در امور جنسی خود را به طور کامل در اختیار شوهرش قرار دهد، تمکین محقق می شود. هر چند در سایر امور مربوطه به زندگی مشترک از او فرمان نبرد؛ مثل اینکه بدون اذن او یا با وجود مخالفت او از منزل خارج شود. ممکن است از سایر ادله لزوم اذن

شوهر در خروج از منزل استنباط شود، ولی این مسئله در مفهوم تمکین داخل نمی باشد (هدایت نیا، نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران، ۱۳۹۵: ۵۷).

در قانون مدنی واژه تمکین به کار نرفته است، حقوقدانان تمکین را به «خاص» و «عام» تقسیم نموده و هر کدام را تعریف نموده اند. بعضی نوشته اند که «تمکین خاص ناظر به رابطه جنسی زن با شوهر و پاسخ دادن به خواسته های مشروع او است» (کاتوزیان، حقوق مدنی خانواده، ج ۱، ۱۳۷۱: ۲۲۸) مطابق این تعریف اصطلاح تمکین خاص بر اصطلاح تمکین کامل در ادبیات فقهی منطبق بوده و ناظر به امور جنسی است. بعضی از حقوقدانان در باره تمکین عام نوشته اند: «تمکین عام، به معنای قبول ریاست شوهر بر خانواده و محترم شمردن اراده او در تربیت فرزندان و اداره مالی و اخلاقی خانواده است». (کاتوزیان، همان)

نشوز از منظر مذاهب اهل سنت

در مفهوم و معنی نشوز میان مذاهب مهم اهل سنت تفاوت های مشاهده می شود. نویسنده کتاب «المفصل فی احکام المرأه» در ارتباط با این موضوع توضیحاتی را ارائه نموده که به آن اشاره می گردد. بر اساس مذهب حنبلی مقصود از نشوز سرپیچی و عصیان زوجه است، از آن مواردی که به موجب عقد نکاح بر زن نسبت به زوج واجب است. مثل اینکه اگر زن امتناع کند از همبستری و یا از منزل زوج بدون اذن او خارج شود، یا از انتقال با زوج به مسکن مثل، امتناع کند یا اینکه از سفر کردن با زوج امتناع کند. (زیدان، المفصل فی احکام المرأه و البیت المسلم فی الشریعه الاسلامیه، ج ۷، ۱۴۱۵ ه. ق: ۱۶۱)

طبق قول حنفیه: ناشزه یعنی زوجه ای که به غیر حق از منزل زوجش خارج شود. زمانی که خروج زن از منزل برای عذر مشروعی باشد، اگر چه بدون اذن زوج نیز از منزل خارج شده باشد، زوجه ناشزه محسوب نمی شود زیرا خروج زن با عذر مشروع، خروج به حق است اگر چه به اذن زوج نباشد. (زیدان، همان، ص ۱۶۲؛ الموسوعه الفقهیه، ج ۴۰، ۱۴۲۳: ۲۸۴)

طبق قول شافعیه: ناشزه یعنی منع زوج از وطی (و مقدمات وطی) مثل لمس و تقبیل از جانب زوجه بلا عذر، ولی اگر این منع زوج از جانب زوجه با عذر شرعی باشد، نشوز محسوب نمی شود. مانند: لمس کردن کسی که در فرجش قروح وجود دارد(همان ص ۱۶۳)

در کتاب الموسوعه الفقهيه نشوز از نظر مالکيه، شافعيه و حنابله به خروج زوجه از اطاعت شوهر، معنی شده است: « خروج الزوجه عن الطاعة الواجبه للزوج» (الموسوعه الفقهيه، پیشین). و ابن قدامه در المغنی در مورد معنی نشوز می گوید: « معنی النشوز معصیه الزوج فیما فرض الله علیها من طاعته مأخوذ من النشز و هو الارتفاع، فكأنها ارتفعت و تعالت عما أوجب الله علیها من طاعته» (احمد بن قدامه، المغنی، ج ۷، بی تا: ۴۶)

در مورد زمان وجوب نفقه مالک گفته است که نفقه زوجه واجب نمی شود مگر اینکه دخول صورت گرفته باشد یا اینکه ادعای دخول شود « فأما وقت وجوبها فإن مالكا قال: لا تجب النفقة علی الزوج حتی یدخل بها أو یدعی الی الدخول بها و هی ممن توطأ و هو بالغ» (ابن رشد قرطبی، شرح بدایه المجتهد و نهایه المقتصد، ج ۳، ۱۴۳۵: ۱۳۵۱).

ب) خروج بدون اذن از منزل شوهر در فقه حنفی

در میان مذاهب اسلامی عامل نشوز زوجه عدم تمکین زوجه دانسته شده، اما در فقه حنفی عامل نشوز، خروج زوجه از منزل شوهر محسوب شده است. مذهب حنفیه در مورد معنی نشوز می گوید: زوجه اگر خودش را در منزل شوهر حبس نماید و از منزل شوهر بدون اجازه او خارج نشود، چنین زنی مطیع می باشد، گرچه برای همبستر شدن با شوهر مخالفت نماید، این مخالفت گرچه حرام است اما باعث سقوط نفقه نمی شود؛ مغنیه در مورد معنای نشوز در مذهب حنفیه چنین نوشته است: «فالحنفیه یرون أنّ الزوجه متى حبست نفسها فی منزل الزوج، و لم تخرج منه إلا باذن تکون مطیعاً، و إن امتنعت عنه للفراس من غیر مبرر شرعی، فإن امتناعها هذا و إن کان حراماً علیها و لکن لا تسقط به النفقة» (ابن مسعود کاسانی حنفی، بدائع الصنائع، ج ۴، ۱۴۱۷: ۲۳؛ مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۲، ۱۳۱؛ جزیری، کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۴، ۱۹۸۸: ۵۶۶) در جای دیگر نشوز در فقه حنفی این گونه تعریف شده « خروج الزوجه من بیت زوجها بغير حق؛ خروج زن از منزل همسرش بدون حق نشوز است» (الموسوعه الفقهيه، ج ۴۰،

۱۴۲۳: ۲۸۴) بنا بر این نشوز در فقه حنفی با از بین رفتن احتباس زوجه تحقق پیدا می کند؛ بر اساس فقه حنفی عدم استمتاع و همبستر شدن در نشوز زن دخالت ندارد. گرچه امتناع زن حرام است، ولی نفقه ساقط نمی گردد؛ زیرا با وجود احتباس زوجه در منزل شوهر، نفقه بر زوج واجب است. اما به نظر امامی ها، مالکی ها، حنبلی ها، شافعی ها چنین زنی ناشزه محسوب شده و نفقه او ساقط می گردد. (نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ۱۳۹۵: ۳۰۹؛ علامه حلی، قواعد الاحکام، ج ۳، ۱۴۱۹: ۱۰۸؛ البغوری، التهذیب فی فقه الامام الشافعی، ج ۶، ۱۴۱۸: ۳۴۷)

نشوز در حال عده

نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده بر عهده شوهر است؛ زیرا زنی که دوران عده طلاق رجعی را می گذراند، از نظر فقهی حکم زوجه را دارد، بنا بر این بسیاری از احکام زوجه از جمله وجوب نفقه بر او مترتب می باشد، از این جهت فرقی میان باردار بودن زن و عدم آن نیست و در این مسأله بین فقها اختلافی وجود ندارد (نجفی، جواهر الکلام، ۱۳۹۵: ج ۳۱، ۳۱۷). به هر حال نفقه مطلقه رجعیه در زمان عده به عهده شوهر است مگر اینکه طلاق در حال نشوز واقع شده باشد. ناشزه شدن زن در زمان عده نیز باعث سقوط نفقه زوجه می شود؛ ممکن است زنی قبلاً ناشزه نبوده اما در ایام عده و پس از طلاق با ترک وظایف ایام عده ناشزه محسوب شده و همانند زوجه ناشزه مستحق نفقه نخواهد بود (امام خمینی، تحریر الوسیله، ج ۲، ص ۲۸۱؛ موسوی اصفهانی، وسیله النجاة، ج ۲، ۱۳۹۷: ۴۱۸؛ ماده ۱۱۰۹ قانون مدنی ایران). زیرا مطلقه رجعیه در حکم زوجه غیر مطلقه است و از این نظر یکسان می باشند.

در ماده ۱۱۰۸ قانون مدنی ایران در ارتباط با نشوز زوجه چنین آمده: «هرگاه زن بدون مانع مشروع از ادای وظایف زوجیت امتناع کند مستحق نفقه نخواهد بود»؛ این ماده اشاره به نشوز زن دارد، چنانچه زوجه بدون عذر شرعی از وظایف زوجیت، که مهمترین آن اطاعت از شوهر است، امتناع نماید حق نفقه نخواهد داشت. در قانون مدنی افغانستان هم به نشوز زوجه اشاره شده

و در ماده ۱۲۲ این قانون در مورد محروم شدن زن از حق نفقه چنین مطرح شده: « در حالات ذیل زوجه مستحق نفقه نمی گردد: ۱. زوجه بدون اجازه زوج یا بغیر مقاصد جایز از مسکن خارج گردد. ۲. زوجه بامور زوجیت اطاعت نداشته باشد». قانونگذار در این ماده در حقیقت به نشوز زوجه اشاره نموده، اگر زوجه از شوهر خود اطاعت نداشته باشد، مثل اینکه بدون اجازه از منزل شوهر خارج شود یا به وظایف زوجیت تمکین ننماید، در این صورت حق نفقه نخواهد داشت.

اقدامات و راهکارهای مرد برای پیشگیری از نشوز زن

در صورتی که گمان برود که زن ناشزه شده و یا واقعا ناشزه شده باشد، راهکارهای وجود دارد که مرد از نشوز زن پیش گیری نماید؛ خداوند در آیه ۳۴ سوره نساء با صراحت به این سه روش توجه کرده است: « وَ الْأَتَى تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ؛ بانوانی را که نشانه های نافرمانی و ناسازگاری در آن ها می بینید، اول نصیحت شان کنید. اگر اثر نکرد، به آن ها در رختخواب بی محلی کنید و اگر باز هم فایده نداشت، ملایم و محدود تنبیه شان کنید». مفسرین و فقها با توجه به آیه فوق به سه اقدام مرد برای جلوگیری از نشوز زن اشاره نموده اند:

۱. موعظه: اولین راهکار و روش پیشگیری از نشوز زن، نصیحت و موعظه کردن اوست. مرد با پند و اندرز تلاش کند که در رفتار زن تغییر و تحول ایجاد نموده و او را به اطاعت وادار نماید.

۲. هجر: اگر روش اول اثر نگذاشت، مرد در قدم دوم از راهکار هجر باید استفاده نماید. هجر در اصطلاح فقه به معنای روبرگرداندن و پشت کردن به زن است در موقع خواب و در فراش، که نوعی ابراز ناراحتی از رفتار زن است.

۳. ضرب: راهکار سوم برای پیشگیری از نشوز زن، که بعد از راهکارهای قبلی بکار گرفته می شود، تنبیه زن است. در این راهکار میان فقیهان و مفسران هم نقطه مشترک وجود دارد و هم نقطه اختلاف. نقطه اشتراک این است که زدن برای انتقام گیری و عقده خالی کردن مرد نباشد، بلکه برای اصلاح زن باشد. صاحب جواهر در این مورد فرموده است: « در زدن باید اصلاح زن در نظر باشد نه انتقام گیری و عقده گشایی» (نجفی، جواهر الکلام، ج ۳۱، ۱۳۹۵: ۲۰۷) و هم

چنین اجرای علاج سوم مشروط بر علم شوهر در باره نشوز زوجه دانسته است و می فرماید: « تا وقتی که زوج، علم به نشوز زوجه پیدا نکرده است نباید کیفر سوم را اجرا کند زیرا عمل حرامی از وی سر نزده است تا مستوجب عقوبت باشد». (نجفی، همان) تمام فقها از آیه « واضربوهن» این گونه برداشت نموده اند که مرد می تواند زن را تنبیه کند و البته حدود این تنبیه را مشخص نموده اند.

در این مورد شیخ طوسی در المبسوط چنین آورده است: « در این مورد دو قول مطرح است: الف) ضرب زوجه با نفس نشوز حلال است و در صورتی که فقط خوف از نشوز باشد زوج فقط حق دارد زن را موعظه کند یا در رختخواب به او پشت کند. ب) نظر دوم این است که در صورت خوف از نشوز، زوج حق دارد زوجه را کتک بزند. شیخ طوسی نظر اول را قویتر بیان کرده و آن را می پذیرد. ایشان نظر شان را با استدلال به آیه نشوز بیان کرده و می گوید ظاهر آیه اقتضا می کند که وقتی از نشوز زن بترسد حلال است که راه موعظه و هجران و ضرب را در پیش گیرد و لکن خلافی نیست که آیه حمل بر ظاهر نمی شود و این احکام به خوف نشوز تعلق ندارد و بر نفس نشوز حمل می شود.» (شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۳، ۱۴۳۱: ۶۱۰). بنا بر این با تحقق نشوز و وقوع خارجی آن، زوج می تواند به یکی از سه روش فوق زوجه را به اطاعت از شوهر تشویق و دعوت نماید.

گفتار دوم: اشتراکات و تفاوت های نشوز و نفقه زوجه در میان مذاهب

نشوز زوجه و به دنبال آن سقوط نفقه ایشان در میان مذاهب اسلامی، اشتراکات و تفاوت های را دارد؛ در این جا به چند مورد از مهم ترین موارد آن ها اشاره خواهد شد.

۱. اختلاف در سبب وجوب نفقه

یکی از اختلافات مهم مذاهب در بحث نفقه، اختلاف در اسباب یا شرایط وجوب نفقه است که آیا وجوب نفقه زوجه متفرع بر عقد نکاح است یا تمکین کامل یا هر دو، در این مورد اقوال

مختلفی وجود دارد. بیشتر حنفی‌ها و برخی از فقهای امامی و شافعی، در قول قدیم شان، عقد صحیح نکاح را شرط یا سبب وجوب نفقه می‌دانند.

اما در فقه امامیه قول مشهور این است که تمکین سبب و شرط وجوب نفقه می‌باشد. صاحب شرائع فرموده: در میان فقها دو قول وجود دارد، اما اظهر و قول مناسب و بهتر این است که بگوئیم وجوب نفقه متوقف به تمکین زوجه است (محقق حلی، شرائع الاسلام، ج ۲، ۱۴۱۵ق: ۳۹۷). میرزای قمی در این مورد می‌نویسد: مشهور میان علما این است که تمکین شرط وجوب نفقه است (قمی، جامع الشتات، ص ۴۱۲). علامه حلی نیز می‌فرماید: المشهور ان وجوب النفقه يتوقف على التمکين لا بمجر العقد (علامه حلی، تحریر الاحکام، ج ۲، کتاب النکاح، ص ۴۵).

قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان نیز از این دیدگاه پیروی نموده و در ماده ۱۶۲ صرف انعقاد نکاح را باعث وجوب نفقه نمی‌داند؛ بلکه برای وجوب نفقه علاوه بر انعقاد نکاح، سکونت زوجه در منزل زوج را نیز ضروری می‌داند.

در مقابل این دیدگاه، نظری دیگری وجود دارد مبتنی بر این که به مجرد عقد، نفقه واجب می‌شود؛ ولی نشوز مانع تحقق آن است. جمعی از فقها از این دیدگاه پیروی کرده‌اند.

قانون مدنی افغانستان، که مبتنی بر فقه حنفیه است، هم ظاهراً از نظر دوم پیروی کرده و در ماده ۱۱۷ این قانون چنین آمده است: «با عقد نکاح صحیح و نافذ نفقه بر زوج لازم می‌گردد، گرچه زوجه در مسکن اقاربش رهایش داشته باشد.» قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران در ماده ۱۱۰۲ نیز از نظر غیر مشهور پیروی کرده و با اجرای عقد، پرداخت نفقه را لازم دانسته است.

۲. سقوط یا عدم سقوط نفقه زوجه مریض

اگر زوجه مریض باشد، یا رتقا و قرنا باشد، امامیه و حنابله و حنفیه قائلند که نفقه زوجه ساقط نمی‌شود؛ اما مالکیه قائل است که اگر زوجه مریضی شدید داشته باشد و یا زوج مریضی شدید داشته باشد، نفقه زوجه ساقط می‌شود. (مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۲، ۱۴۲۵: ۱۳۳)

۳. مسافرت زوجه

اگر زوجه به مسافرت برود برای حج واجب، مذهب شافعیه و حنفیه قائل به سقوط نفقه زوجه شده است؛ اما مذهب امامیه و حنابله قائل به عدم سقوط نفقه زوجه شده اند. (مغنیه، همان)

شیخ طوسی در مورد سقوط و یا عدم سقوط نفقه زوجه مسافر فرموده است:

اگر زوجه با اجازه و اذن شوهر مسافرت برود، چه آن مسافرت در کار واجب باشد یا مباح نفقه ساقط نمی شود. در کار واجب بدون اذن شوهر اگر مسافرت کند مثل حج واجب نفقه ساقط نمی شود ولی در کار مندوب یا مباح اگر زوجه بدون اذن مسافرت کند، نفقه او ساقط می گردد (شیخ طوسی و محقق حلی، النهایه و نکتها، بی تا، ج ۲، ص ۳۹۸).

۴. نفقه زوجه در زمان عقد و قبل از عروسی

در صورتی که زوجه بعد از عقد مدتی خانه پدرش بماند، نفقه خود را از شوهرش درخواست نماید. در این مورد سوال این است که آیا به این زن، نفقه تعلق می گیرد یا خیر؟

مذهب حنفیه قائل است که زن مستحق نفقه می شود، گرچه به منزل شوهرش منتقل نشده باشد. در فقه حنفی با عقد نکاح پرداخت نفقه ضرورت پیدا می کند، حتی اگر زوجه به منزل زوج منتقل نشده باشد؛ در این مورد مغنیه نویسنده کتاب «الفرقه علی المذاهب الخمسه» در پاسخ به این سوال که اگر زوجه بعد از اجرای عقد، مدتی در منزل پدر خود مانده و مطالبه نفقه نماید، آیا به این زن نفقه تعلق می گیرد یا خیر؟ به روشنی به این مطلب اشاره نموده و گفته است: «قال الحنفیه: تستحق النفقه، و ان لم تنتقل إلی منزل الزوج» (مغنیه، الفرقه علی المذاهب الخمسه، ج ۲، ۱۴۲۵: ۱۳۵). بند اول ماده ۱۱۷ قانون مدنی افغانستان در لزوم پرداخت نفقه با اجرای عقد از فقه حنفی پیروی کرده است.

مالکیه و شافعیه: زن مستحق نفقه است در صورتی که دخول انجام شده باشد و یا زن خود را در اختیار مرد قرار داده باشد.

در مورد زمان وجوب نفقه مالک گفته است که نفقه زوجه واجب نمی شود مگر اینکه دخول صورت گرفته باشد یا اینکه ادعای دخول شود» فأما وقت وجوبها فإن مالکا قال: لا تجب النفقة على الزوج حتى يدخل بها أو يدعى إلى الدخول بها و هي ممن توطأ و هو بالغ»
حنابله: اگر زن خود را به شوهر عرضه نکرده باشد، مستحق نفقه نخواهد بود.

امامیه: مشهور فقهای امامیه با صرف عقد نفقه را واجب نمی دانند، بنا بر این در زمان قبل از عروسی در دوران نامزدی، که همسر در منزل پدری بوده، به دلیل نبود تمکین کامل نفقه به زوجه تعلق نمی گیرد.

۱.۵. اختلاف مذاهب در معنای نشوز

یکی از مهم ترین تفاوت های مذاهب در مورد معنی نشوز است. قبلا گفته شد که در فقه مذهب حنفی شرط وجوب نفقه حبس زن نفس خود را در منزل شوهر است که بدون إذن شوهر از منزل خارج نشود، چنین زنی مطیع محسوب شده حتی اگر در بستر تمکین زوج ننماید و نفقه چنین زنی واجب است. (ابن مسعود کاسانی حنفی، بدائع الصنائع، ۱۴۱۷: ج ۴، ۲۳؛ مغنیه، الفقه علی المذاهب الخمسه، ج ۲، ۱۳۱؛ جزیری، کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه، ج ۴، ۱۹۸۸: ۵۶۶)

اما سایر مذاهب با این گونه معنا از زن ناشزه مخالفت نموده؛ آنان گفته اند که زوجه اگر تمکین از زوج خود ننماید و با شوهر خود با عدم مانع شرعا و عقلا خلوت نکند، چنین زنی ناشزه شمرده می شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

جمع بندی و نتیجه گیری مطالب تحقیق حاضر به قرار ذیل است:

۱. در مذاهب اسلامی عامل نشوز زوجه یک سان نیست؛ عامل نشوز زوجه در فقه امامیه، شافعی، حنبلی عدم تمکین زوجه است؛ اگر زوجه از شوهر خود اطاعت نکرده و خود را به طور کامل در اختیار همسرش برای بهره بردن از مسائل جنسی قرار ندهد، زوجه ناشزه محسوب شده و در پی آن نفقه به آن تعلق نخواهد گرفت. اما در فقه حنفی خروج زن از منزل بدون اجازه شوهر باعث نشوز زوجه شده، حتی اگر همسر در مسائل زناشویی اطاعت از شوهر کرده باشد.

در صورت تحقق نشوز زوجه، زوج می تواند به یکی از سه روش موعظه، هجر و تنبیه همسرش را به اطاعت وادار و از نشوزش جلوگیری نماید.

۲. در ادامه به برخی از اشتراکات و اختلافات نشوز و نفقه در مذاهب اسلامی اشاره شده مانند اختلاف در معنی نشوز، اختلاف در سبب وجوب نشوز؛ بیشتر حنفی ها و برخی از فقهای شیعه عقد صحیح، اما مشهور فقهای امامیه تمکین را سبب وجوب نفقه دانسته اند.

فهرست منابع و مآخذ

قرآن کریم.

ابن منظور، لسان العرب، ج ۵، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۰هـ - ۱۹۹۰م، ص ۴۱۷؛

اصفهانی، علامه راغب، مفردات الفاظ قرآن، الطبعة اولی، ذوی القربی، ۱۴۱۶هـ، ص ۸۰۶.

اصفهانی، محمد بن حسن، (فاضل هندی)، کشف اللثام و الابهام عن قواعد الاحکام، ج ۷، دفتر

انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۶، ص ۲۰۲.

بغوری، محمد بن الفراء التهذيب في فقه الامام الشافعي، ج ۶، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۱۸هـ - ۱۹۹۷م، ص ۳۴۷.

جزیری، عبد الرحمن، كتاب الفقه على المذاهب الاربعه، ج ۴، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۹۸۸، ص ۵۶۶.

جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمولوژی حقوق، چاپ ششم، تهران، کتابخانه گنج دانش، ۱۳۷۲، ص ۷۰۶.

حلی، علامه ابی منصور الحسن بن یوسف بن المطهر الاسدی، قواعد الاحکام، ج ۳، موسسه النشر الاسلامی، قم، ۱۴۱۹هـ، ص ۱۰۸؛

حلی، حسن بن یوسف، تحرير الاحکام، ج ۲، كتاب النکاح، موسسه آل البيت ص ۴۵.

خمینی، روح الله، تحرير الوسيله، ج ۲، قم، مؤسسه نشر اسلامي، بی تا، ص ۲۸۱؛

زیدان، عبد الکریم، المفصل فی احکام المرأه و البيت المسلم فی الشریعه الاسلامیه، ج ۷، موسسه الرساله، بيروت، ۱۴۱۵هـ.ق، ص ۱۶۱.

سعدی ابو حبيب، القاموس الفقهي لغة و اصطلاحا، دمشق، دارالفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۸هـ - ۱۹۸۸م، ص ۳۵۳.

شيخ طوسی و محقق حلی، النهایه و نکتها، ج ۲، قم، مؤسسه نشر اسلامي، بی تا، ص ۳۹۸.

طوسی، محمد بن حسن، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۳، قم، مؤسسه نشر اسلامي، ۱۴۳۱، ص ۶۱۰.

عبد الله بن احمد بن قدامه، المغنی، ج ۷، بيروت، عالم الكتب، بی تا، ص ۴۶.

قانون احوال شخصیه شیعیان افغانستان

قانون مدنی جمهوری اسلامی افغانستان

قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران

قرطبي اندلسي، محمد ابن احمد بن رشد، شرح بدايه المجتهد و نهايه المقتصد، ج ٣، قاهره، دارالسلام، الطبعة السادسة، ١٤٣٥هـ ٢٠١٤ م، ص ١٣٥١.

قرطبي، احمد بن رشد، بدايه المجتهد و نهايه المقتصد، ج ٤، طهران، المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلاميه، ١٤٣١ هـق - ٢٠١٠ م، ص ٣١٠؛

قمي، ميرزا ابوالقاسم، جامع الشتات، به خط مسيح بن علي اكبر الحسنی السمنانی، ص ٤١٢؛
كاتوزيان، ناصر، حقوق مدني خانواده، ج ١، چاپ سوم، ١٣٧١، شركت انتشار با همكارى بهمن برنا، ص ٢٢٨.

كاساني حنفي، ابن مسعود، بدائع الصنائع في ترتيب الشرائع، ج ٤، كتاب النفقه، بيروت، دار الفكر، ١٤١٧هـ، ص ٢٣؛

محقق حلي، نجم الدين جعفر بن حسن، شرائع الاسلام في مسائل الحلال و الحرام، ج ٢، مؤسسة المعارف الاسلاميه، ١٤١٥ق. ص ٣٩٧.

مغنيه، محمد جواد، الفقه على المذاهب الخمسة، ج ٢، قم، دارالكتاب الاسلامي، ١٤٢٥هـ - ٢٠٠٤م، ص ١٣٣.

مكي عاملي، (شهيد اول)، محمد بن جمال الدين، اللمعة دمشقية، ج ٥، الطبعة الثانية، بيروت، بي تا، دار احياء التراث العربي، ص ٤٦٥.

الموسوعة الفقهيه، ج ٤٠، كويت، وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلاميه، الطبعة الثانية، ١٤٢٣هـ - ٢٠٠٣م، ص ٢٨٤.

موسوى اصفهاني، سيد ابو الحسن، وسيلة النجاة، ج ٢، الطبعة الثانية، بيروت، دار التعارف للمطبوعات ١٣٩٧هـ - ١٩٧٧م، ص ٤٠٩.

نجفي، محمد حسن، جواهر الكلام، ج ٣١، بيروت، دار احياء التراث العربي، ١٣٩٥، ص ٢٠٠.

هدایت نیا، فرج الله، نشوز زوجین در فقه و نظام حقوقی ایران، تهران، سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۵، ص ۵۷.